

احکام فقهی کذب و خلاف واقع‌نمایی در فیلم و سینما*

حسین ناصری

دانشکده الهیات دانشگاه تهران

چکیده

امروزه هنر سینما و فیلمسازی به عنوان یکی از بنیانهای مهم فرهنگساز جامعه، کاربرد شگرفی یافته است. فقه شیعه که به حق مدعی پاسخگویی به همه نیازهای بشری است، باید در قبال سینما، موضعی شفاف، ژرف‌نگر و واقع‌بینانه اتخاذ کند.

از آنجا که حرمت کذب از مسلمات فقه و اخلاق است و از دیگر سو مشاهده می‌شود که هنر فیلمسازی ملازم کاربرد انواع کذب و خلاف واقع‌نمایی در جریان تولید فیلم است، نگارنده در این نوشتار تلاش می‌کند به گونه‌ای فشرده پاسخی برای پرسشهای زیر ارائه دهد:

* - این نوشتار، برگرفته از پایان‌نامه دکتری نگارنده با عنوان «سینما در ساحت فقه» است.

۱ - ماهیت کذب چیست؟

۲ - قلمروهای تحقق کذب کجاست؟

۳ - آیا در زبان سینما، کذب مصداق می‌یابد؟ و ...

امید است این حرکت باعث شود فقه‌پژوهان گرامی در این عرصه نیز گامهای مبارکی بردارند.

کلیدواژه‌ها: صدق و کذب، سینما و فیلمسازی، دلالت کلامی، تئوری همبستگی، تئوری تعهد، نظام‌های ارتباطی، جانشین، نشانه‌شناسی، کذب هزلی.

حرمت کذب

کذب از گناهان کبیره‌ای است که ادله چهارگانه^۱، بلکه ضروریات دین و حتی ادیان الهی (انصاری، ۴۹) بر زشتی و حرمت آن، گواهی داده‌اند؛ به ویژه اگر کذب، به خداوند، پیشوایان دین یا گروندگان باشد. قرآن می‌فرماید:

انما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بآیات الله. (غل/ ۱۰۷).

در روایات نیز، دروغ، کلید هر بدی و حتی بدتر از بساده‌گساری، معرفی شده است. (حرّ عاملی، ۱۳۲/۲؛ کلینی، ۳۲۸/۲؛ نوری، ۸۳/۹).

ماهیت کذب

در تعریف صدق و کذب، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. افزون بر فقیهان، اهل لغت و زبان‌شناسان، متکلمان و فیلسوفان نیز به تعریف و تنقیح آن پرداخته‌اند.

۱ - در این که قرآن و روایات بر حرمت دروغ، دلالت قطعی دارند کلامی نیست؛ امّا در دلالت اجماع و عقل، اختلاف وجود دارد. زیرا چنین اجماعی که مستند آن معلوم است و به آن اجماع مدرکی گویند، حیثیت ندارد. همچنین برخی بر این پندارند که عقل به طور مستقل، مطلق دروغ را اگر چه مفهومی را هم به دنبال نداشته باشد، قبیح نمی‌شمارد. ر. ک: مصباح الفقاهة، ۳۸۵/۱، ارشاد الطالب، ۲۲۶/۱.

تعریف مشهور این دو اصطلاح عبارت است از:

صدق الخبر بمطابقته للواقع و كذب الخبر بعدمها. (تفتازانی، ۳۳).

همچنین در جای خود گفته شده که صدق و کذب در کلام خبری جاری می‌شوند نه در گزاره‌اشنایی؛ زیرا انشائیات قابل اتصاف به صدق و کذب نیستند؛ (همانجا، ۳۱ - ۳۳) مگر گزاره‌های خبری‌ای که در بطن آنها نهفته است.

و نیز باید دانست که "واقعیت" موجود در گزاره‌ی خبری به معنای "ممکن است" یا "ممکن نیست"، نمی‌باشد؛ بلکه مقصود آن است که ظاهر کلام و گزاره، حاکی از واقعیتی در خارج باشد؛ اعم از این که ممکن باشد یا نباشد. از این رو، گزاره‌ی "شريك الباری ممتنع است"، گزاره‌ای صادق است. (خینی، العکاسب المحرمة، ۲/۳۰ - ۳۷).

البته نظرات دیگری نیز در باب تعریف صدق و کذب وجود دارد که چندین مورد توجه و تصدیق قرار نگرفته‌اند؛ مانند نظریه‌ی نظام که معتقد است: مالک صدق، مطابقت خبر با اعتقاد گوینده و سلاک کذب، مطابق نبودن آن با اعتقاد اوست. (تفتازانی، ۳۳). یا نظریه‌ی جاحظ که بر این باور است: در صدق خبر، هر دو مطابقت واقع و اعتقاد لازم است و در کذب، هر دو مخالفت، ضرورت دارد. (همانجا، ۳۵).

کذب گزاره - کذب گوینده

آیا اساساً میان کذب گزاره (خبر) و کذب گوینده (مُخبر) تفاوتی هست یا این دو یکی هستند؟ این پرسش از آن رو اهمیت می‌یابد که پس از این در باب تقسیمات دلالت‌ها در فیلم، نیازمند فهم انواع کذب هستیم.

پیش از پاسخ این پرسش، به عنوان مقدمه‌ای روشن‌گر باید گفت در بحث کیفیت دلالت کلامی، دو دیدگاه وجود دارد:

الف) تنوری همبستگی یا اعتبار: طرفداران این دیدگاه معتقدند، الفاظ و اجزای کلام، بدون در نظر داشتن گوینده‌ی آنها، بر معنای خود دلالت می‌کنند، یا به گونه

دلالت تصویری (دلالت بر صرف معنا) و یا دلالت تصدیقی (معنای اراده شده)؛ به گونه‌ای که اگر از افتادن شیء بی‌جانی مانند سنگ، صدای آسمان بالای سرماست. شنیده شود، معنای (تصوری) آن در ذهن شنونده نقش می‌بندد. امام خمینی (قدس سره) (مناهج‌الاصول، ۱/۱۱۳) سیدمحمدباقر صدر (۱/۷۴ - ۸۰) و بسیاری دیگر، این نظریه را پذیرفته‌اند. امام خمینی (ره) در این باره می‌نویسد: «بی‌تردید، کلام به خودی خود و با صرف نظر از این که گوینده‌ای آن را اراده کرده است، بر معنایی دلالت می‌کند. مثلاً اگر به واسطه رخدادهای طبیعی در جایی نوشته شود: آسمان بالای ماست، و آسمان زیر پای ماست، نمی‌توان مدعی شد که ما هیچ معنایی را از آنها نمی‌فهمیم.» (خمینی، المکاسب المحرمة، ۲/۳۰).

در این نظریه، کذب هم به گزاره و هم به گوینده نسبت داده می‌شود؛ اگر چه کذب در مرحله نخست، صفت گزاره است و گوینده به لحاظ ایجاد آن، کاذب گفته می‌شود. در اصطلاح به کذب گزاره (خبر)، معنای حاصل مصدري و به کذب گوینده، معنای مصدري گفته می‌شود.

(ب) تصویری تعهد: این نظریه، اساساً کلام و خبر بودن گوینده قاصد را فاقد دلالت می‌داند؛ زیرا مدلول را چیزی می‌داند که تفهیم آن، مورد عنایت استعمال‌کننده لفظ است و در مواردی که گوینده‌ای وجود ندارد یا اراده تفهیم ندارد، اصلاً دلالتی شکل نمی‌گیرد.

از پیشینیان، ابن سینا (شفاء، ۱/۴۲؛ الاشارات، ۱/۳۲) و از معاصران، مرحوم آیه‌الله خویی (الهدایة فی الاصول، ۱/۶۹) به این نظریه معتقدند. بر اساس این دیدگاه، تفکیک میان دلالت تصویری و تصدیقی، معنا ندارد؛ همان گونه که تمایزی میان معنای مصدري و اسم مصدري و کذب کلام و متکلم نیز وجود ندارد. همچنین طرفداران این دیدگاه بر این باورند که کذب گزاره (کلام) تابع کاذب بودن گوینده است؛ به خلاف

نظریه نخست که اول، کلام را کاذب می‌شمرد و سپس، متکلم را، فایده این تفاوت هنگامی حاصل می‌شود که معنای يك جمله، مطابق با واقع نیست، ولی گوینده‌اش نمی‌خواهد به طور جدی از واقع، سخنی بگوید. برای مثال شخصی از روی کتابی، دروغی را بلند می‌خواند و تکرار می‌کند، بی آن که قصد انتقال معنای آن را به شنونده داشته باشد. اینجا بر اساس تئوری تعهد، کلام، کذب نیست ولی بنابر تئوری اعتبار، کذب است، گرچه متکلم را دروغگو نمی‌شمارد؛ زیرا کار او اخبار مخالف با واقع نیست.

البته بر اساس ادله تحریم کذب مانند روایات، کذب به معنای مصدری یعنی دروغ گفتن حرام است و آنچه اهمیت دارد این است که کاذب بدون گوینده تحقق یابد؛ بنابراین در دو دیدگاه، از این جهت تفاوتی پدیدار نمی‌گردد.

ثمره بحث نظریه‌های اعتبار و تعهد

از آنچه گفته شد می‌توان پاسخ یرسشی را که پیش از این مطرح شد دریافت؛ چرا که دانسته شد بر اساس تئوری اعتبار، میان کذب کلام و کذب متکلم، تفاوت و تمایز هست؛ ولی بر اساس تئوری تعهد، فقط متکلم است که به کذب، متصف می‌شود و اگر هم کلام را کذب بنامیم، به سبب کاذب بودن متکلم آن است.

نتیجه و ثمره این نزاع در مقوله فیلم آنجاست که بازیگری در اثنای فیلمی،

۱ - ادله تحریم کذب مانند آیات و روایات، بیشتر ناظر به جنبه مصدری یعنی رفتار و فعل مکلف و گوینده است؛ یعنی این ادله افراد را از دروغ گفتن بر حذر می‌دارد؛ نه آن که از تحقق کلام دروغ در خارج، جلوگیری کند. برای نمونه در آیات، تعبیر قول زور (حج/۳۰) و کاذب (انعام/۲۸، نحل/۸۶) و افترا (انعام/۱۳۸) با نظر به فعل گوینده ملاحظه شده است. در روایات نیز استعمال صیغه ماضی و مضارع از ماده کذب، اشاره به کار شخص دارد؛ (سفینة البحار، ۲/۴۷۲ تا ۴۷۴) یعنی مشون دینی می‌خواهند شخص را از انصاف به دروغگو بودن بر حذر دارند: «و ما یرال احدکم بکذب حتی ینقال کذب و فحس ...» (وسائل، جزء ۸، باب ۱۴۰) و نیز توصیه به ترك کذب هرگز نیز مؤید همین امر است.

گزاره‌ای مخالف واقع را بر زبان جاری سازد؛ اما به گونه‌ای که همگان می‌دانند او قصد اخبار مطابق را ندارد. اینجا بر اساس تئوری تعهد، او (بازیگر)، کاذب به شمار نمی‌آید؛ ولی بنابر تئوری اعتبار، گرچه متکلم، کاذب نیست، اما گفتار او متصف به کذب می‌شود.

قلمروی اتصاف به کذب

یکی از پرسشهای بنیادین در باب کذب این است که چه اموری به کذب و دروغ بودن اتصاف می‌یابند؟ نتیجه این بحث نیز در مقوله کذب در فیلم، بسیار تأثیرگذار است.

به یقین نخستین و قطعی‌ترین موردی که در قلمروی کذب داخل می‌شود، کلام و گفتار است؛ یعنی الفاظ معناداری که به زبان می‌آیند. البته در مراتب بعدی، دلالت‌گرهای نوشتاری به‌عنوان جانشین گفتار، متصف به کذب می‌شوند. امام خمینی (ره) در این باره می‌نویسد:

«قوام و رکن کذب، گفتار و لفظ به معنای آنچه از دهان بیرون آید و بر یکی از مخارج حروف تکیه داشته باشد و مضمون آن با واقع مخالف باشد نیست، تا این که اشاره و نوشتن و حتی مبالغه‌ها، کنایه‌ها و مجازها از دایره کذب خارج باشند (چه این که اشاره و نوشتن جزو الفاظ شمرده نمی‌شوند بلکه اشاره یک کار و نوشتن، نقشی است که از واقعیت، حکایت می‌کند)؛ بلکه ظاهراً کذب به معنای مصدری (دروغ گفتن) در عرف، عبارت از خبر دادنی است که با واقعیت مخالف باشد و روشن است که خبر دادن، در لفظ و گفتاری که از دهان بیرون می‌آید، منحصر نمی‌شود و شامل نوشتن، اشاره کردن و مانند آنها در عرف نیز می‌شود.» (خمینی، المکاسب المحرمة،

۲/۳۳ - ۳۴)

بنابراین صدق و کذب، تنها در دو مورد مصداق می‌یابند: نخست عالم الفاظ

و گفتار و دوم، چیزهایی که جانشین آن می‌شوند؛ مانند نوشتن و اشاره. مواردی نیز به طور قطع از دایره اتصاف به صدق و کذب، بیرون است مانند:

الف) نصب اشتباه نشانه‌های راهنمایی.

ب) بر تن کردن جامه ثروتمندان برای فقیران.

ج) اذان گفتن پیش از هنگام.

امام خمینی متصف نشدن چنین اذانی را به کذب، چنین بیان می‌دارد: «زیرا گفتار و قرائت فصل‌های اذان، از این جهت که بر معنای خود دلالت می‌کند، نه به طور مطابقه و نه التزام، بر داخل شدن وقت نماز دلالت نمی‌کنند؛ بلکه انجام این کار (اذان) حکایت از داخل شدن وقت نماز دارد؛ به خاطر متعارف و متداول شدن. پس میان کارهایی که جانشین گفتار و اموری مانند آن می‌شوند و لزوماً کاشف از واقع هستند، با کارهایی که چنین نیستند، فرق است». (همانجا، ۲/۳۵).

آیا فیلم از نظام‌های ارتباطی جانشین است؟

تاکنون بیان گردید که صدق و کذب در گفتار و القاض و نیز در نظام‌های ارتباطی جانشین مانند نوشتن و اشاره، جریان می‌یابد. اینک پرسش این است که آیا می‌توان فیلم را همانند نوشتن و اشاره، یک نظام ارتباطی جانشین دانست و آن را متصف به صدق و کذب کرد؟

پاسخ این پرسش، بستگی تام به تعریفی دارد که از زبان ارائه می‌دهیم. برخی مانند رولان بارت^۱ که به طور عمده نشانه‌شناسی تأکید می‌ورزند، معتقدند که زبان، هر مکانیسم و سیستمی است که می‌توان از آن، عناصری برای ارتباط برگزید و ترکیب کرد و زبان در حقیقت بازتابنده فرهنگ معنای اجتماعی است. (بارت، ۱۵۴ - ۱۵۸) بنابراین برداشت به طور قطع، زبان فیلم دارای معناست.

1- Roland Barthes.

برخی دیگر، زبان را مجموعه نظام‌های دارنده نشانه‌های زبان‌شناسی و قراردادی می‌دانند.^۱ بر اساس این نظریه، فقط نظام‌های ارتباطی گفتاری، نوشتاری و اشاره‌ای در تعریف زبان می‌گنجد و فیلم از قلمروی آن بیرون می‌ماند. اما به هر حال، تردیدی در این نیست که فیلم، ایجاد دلالت می‌کند و معانی بسیاری را انتقال می‌دهد؛ اما این دلالت تنها مربوط به تصاویر نیست و صدا، مکالمه، حرکت و امور دیگری در ایجاد آن تأثیر می‌گذارد. در ادامه نوشتار هر يك از دلالت‌گرها به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- نشانه‌های تصویری

همان گونه که در باب موضوع شناسی سینما آورده‌اند، کوچکترین واحد فیلم، قاب یا تك تصویر است که از پیوستن آنها، نا پدید می‌آید؛ که البته نما با "کلمه" در نظام گفتاری مترادف نیست و نمی‌توان نشانه‌های تصویری را همچون عناصر زبانی، دارای يك نظام ارتباطی قراردادی دانست و به همین روی نمی‌توان آن را مانند زبان گفتاری، نوشتاری و حتی اشاره‌ای دانست. (وولن، ۱۲۴ - ۱۲۵) درست است که تصاویر دلالت می‌کنند؛ اما پیشتر هم بیان گردید که هر دلالت‌کننده‌ای، متصّف به صدق و کذب نمی‌شود. بنابراین اگر خود تصاویر يك فیلم بر معنایی دلالت می‌کنند که با واقع منطبق نیست، نمی‌توان آن و سازنده‌اش را به کذب و کاذب، متصّف کرد.

۲- نشانه‌های حرکتی

سینما، تصویر متحرک است. بازیگران، اشیاء، حجم‌ها و فاصله‌ها، دائماً در حال حرکت و تغییرند. حرکت دارای مدلول است و تدوین که در واقع، توالی تنظیم شده تصاویر است، در مدلول‌ها و معانی دست می‌برد. (احمدی، ۱۶۱ - ۱۸۵). حرکاتی که

۱ - مانند کریستین متز در کتاب زبان و سینما.

رمزگان مشترك سینما و دیگر هنرهاست، نوعی عناصر پیرا زبانی شمرده شده و در شمار دلالتهای که کاربردشان متصف به کذب شوند، جای نمی‌گیرد. (همانجا، ۱۰۲ - ۱۰۶)؛ مگر زبان اشاره که يك نظام ارتباطی و قراردادی است. بنابراین کاربرد هیچ يك از نشانه‌های حرکتی نیز، متصف به کذب نمی‌شود.

۳- نشانه‌های آوایی

آواها و صداهای داخل فیلم، موسیقی متن یا موسیقی‌هایی که داخل فیلم وجود دارند و بازیگران هم آنها را می‌شنوند، نمونه‌ای از نشانه‌های آوایی است. اگرچه موسیقی و آواها، دلالت دارند و بسیار به مدد معانی می‌آیند، اما دلیلی که آنها را با نظام‌های زبانی، دارای کاربرد مشترك و مبنای واحد بدانیم در دست نیست؛ (همانجا، ۱۱۰ - ۱۱۳) یعنی این که دلالت‌ها را از قراردادهای قبلی ناشی بدانیم. (موناکو، ۱۸۸) بنابراین، اگر آواها در فیلم، مدلولی ایجاد کنند که واقعیت ندارد، باز هم متصف به کذب نمی‌شوند.

۴- نشانه‌های زبانی - گفتاری

مکالمه یا دیالوگ، تك گویی یا مونولوگ، (گستر، ۴۲۰ - ۴۳۰) حدیث نفس، صدای راوی و امثال آن، (سیفی، ۷۵ - ۸۱) در این نشانه‌ها قرار می‌گیرد. تنها بخشی را که می‌توان اتصافش را به کذب درست دانست، همین قسمت است و پیش از این نیز بیان گردید که ادله حرمت کذب نیز، کذب کلامی را حرام دانسته‌اند.

۵- نشانه‌های زبانی - نوشتاری

مانند عنوان‌بندی، میان نوشت‌ها و اجزای تصاویر نظیر نوشته‌ها و تابلوها. در این بخش نیز مانند نشانه‌های گفتاری می‌توان قائل به اتصاف به کذب شد. (یعنی در صورت مخالفت با واقعیت خارجی).

یک نکته مهم

با این که در نشانه‌های گفتاری و نوشتاری فیلم بیان شد که امکان اتصاف به صدق و کذب وجود دارد، خصوصیتی در فیلم هست که باعث می‌شود برخی از همین نشانه‌ها نیز متصف به صدق و کذب نشوند. توضیح آن که، یکی از شرایطی که فقیهان، برای اتصاف گوینده به صدق و کذب آورده‌اند قصد تفهیم معنای جمله است؛ یعنی اگر گوینده از جمله‌اش هیچ معنایی را قصد نکند، او نه کاذب و نه صادق است. برای نمونه کسی برای به خاطر سپردن شعری، آن را با خود تکرار می‌کند، در حقیقت در این، مراد استعمالی معنای مورد نظر گوینده وجود ندارد تا بتوان آن را مطابق یا غیر مطابق با واقع دانست.

بنابراین در نشانه‌های گفتاری و نوشتاری فیلم مانند مکالمات، روایت، عنوان‌بندی و امثال آن که گویندگان و نویسندگان آنها قصد تفهیم معنا را نداشته‌اند، (یعنی نمی‌خواهند بگویند آنچه ما می‌گوییم یا می‌نویسیم، در خارج رخ داده است) نمی‌توان آنها را متصف به کذب کرد؛ مگر آن که در عنوان‌بندی فیلم یا روایت آن، تصریح شود که این مطلب، واقعیت است و در این صورت، صدقتش به میزان مطابقت با واقع خواهد بود.

پرسش

تا اینجا بیان گردید، گوینده اگر جمله‌ای را به کار بُرد اما تصریح کرد (یا از حالتش پیدا بود) که قاصد استعمال جمله در معنایش نیست، متصف به صدق و کذب

۱ - معمولاً در آغاز فیلم‌های تاریخی یا داستانی، به صورت نوشتاری یا گفتاری، داستانی نقل می‌شود که فیلم در حقیقت ادامه آن است؛ مانند فیلم ژاندارک و محمد رسول‌الله (ص). در این گونه موارد که چنین برمی‌آید فیلمساز می‌خواهد واقعیت را به مخاطبان منتقل سازد، کذب تحقق می‌یابد. اما در ژانر (گونه) فیلم‌های داستانی، ملودرام و کمیک، معمولاً کسی توقع روایت واقعی را ندارد و می‌داند که آنچه اتفاق می‌افتد، صرفاً يك داستان ساختگی بیش نیست؛ مانند غالب آثار هیچکاک، جان فورد و ...

نمی‌شود. اینک این پرسش مطرح می‌شود که اگر کسی، جمله‌ای را در معنای خود به کار بُرد ولی مراد جدی‌اش این نباشد که این مطلب واقعیت دارد، حکمش چیست؟ مانند لطفه‌ها و ضرب المثل‌ها؟ برای توضیح باید گفت: فقیهان دو عنوان کذب در مقام هزل و کذب هزلی را در اینجا آورده‌اند.

کذب در مقام هزل آن است که گوینده با هدف شوخی و خندانیدن دیگران، از واقع خبر می‌دهد، بی‌آنکه خبرش مطابق با واقع باشد. این قسم را بسیاری از فقیهان حرام می‌دانند. امیرمؤمنان علی (ع) در این باره می‌فرماید:

هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را نمی‌چشد مگر آن که دروغ جدی و شوخی را ترک کند. (قمی، ۲/۴۷۳).

البته برخی از فقیهان مانند امام خمینی (ره)، در صورت وجود قرینه، آن را جایز می‌شمارند. ایشان در این باره می‌نویسد: «ظاهراً روایات مطلق (در باب کذب) از کذب در مقام شوخی انصراف دارند؛ گرچه گوینده به گونه‌ای سخن بگوید که گمان شود از واقع خبر می‌دهد. البته این به شرط نصب قرینه‌ی حالی یا لفظی است که قصد او را به شوخی معین سازد؛ مانند محافل مخصوص لطفه‌گویی». (خمینی، المکاسب المحرمه، ۲/۵۰).

در حقیقت در این قسم (کذب در مقام هزل)، هم اراده‌ی جدی و هم اراده‌ی استعمال وجود دارد. اما کذب هزلی آن است که گوینده قصد جدی ندارد. این قسم را ظاهراً همه جایز می‌دانند. مرحوم آیه‌الله خویی در این باره می‌نویسد: «دلیلی بر حرمت این قسم در صورت وجود قرینه نداریم همان گونه که مصنف به آن اقرار کرده است و دلیلش هم آن است که خبری به صدق و کذب اتصاف می‌یابد که حاکی از مخبر به

۱ - کذب در مقام هزل آن است که مثلاً در فیلمی جدی و غیر کُمنیک، دروغی گفته شود تا مخاطبان کمی بخندند؛ مانند طنز در فیلم‌های هیچکاک. اما کذب هزلی مانند همه فیلم‌های ژانر کمدی، نظیر فیلم‌های جارلی جابلین، لورل و هاردی و ...

(معنایی که از آن خبر داده می‌شود) باشد و حال آن که خبری که شخص شوخی کننده می‌دهد، فقط انشای صرف است و از موضوع خبر خارج است» (توحیدی، ۳۸۹/۲)

در غالب فیلم‌های داستانی سینمایی و تلویزیونی، در ژانرها و گونه‌های مختلف مانند حماسی (روز واقعه، داستان سیاوش، اسپارتاکوس، بن هور)، جنگی (دیده‌بان، مهاجر، خشاب تمام فلزی)، پلیسی (شاهین مالت، پنجره عقیبی، سرگیجه)، کمدی (مرد عوضی، آدم برفی، عصر جدید، سه کله پوک)، درام (پرنده خارزار، بر باد رفته، هامون) و امثال آن، هیچ‌گاه گویندگان دیالوگ‌ها و اوایان فیلم، در صدد این نیستند که معنایی و مفاهیم ارائه شده آنها دقیقاً مطابق واقع است. آنها اصلاً قصد تفهیم جدی آن معانی را ندارند. (نظیر کذب هزلی و یا کذب در مقام هزل که دارای قرینه است.) آری، در فیلم‌های مستند یا تاریخی که فیلمساز، انطباق کامل داستان را با واقعیت اعلام می‌کند، تنها در نشانه‌های گفتاری یا نوشتاری، امکان تحقق کذب وجود دارد.^۱

البته امکان دارد که مفاسد دیگری در فیلم وجود داشته باشد (جدای از بحث کذب) که باید در جای خود بدان پرداخت.^۲

منابع و مآخذ

- آبرامسون، رونالد؛ ساختار و معنا در سینما، ترجمه حمیدرضا احمدی لاری، (فصلنامه فارابی، سال سوم، شماره ۲).
- ابن سینا، حسین؛ اشارات، ترجمه حسن ملکشاهی، سروش، ۱۳۶۸ - ۱۳۷۵ ش.

۱ - متأسفانه بسیار دیده می‌شود که فیلمسازان غربی، برخی از حقایق تاریخی را عمداً و با از روی ناآشنایی، قلب و تحریف می‌کنند؛ به ویژه اگر مربوط به جهان اسلام و یا مشرق زمین باشد. فیلم‌هایی نظیر لورنس عربستان، طلاق به سبک ایرانی، بودای کوچک، از این قبیل‌اند.

۲ - مثلاً ارتباط و معاشرت زنان و مردان در فیلم، یا این که فیلم باعث اشاعه متکرات در میان مخاطبان شود.

- ابن سینا، حسین؛ شفاء، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۶ ش.
- احمدی، بابک؛ از نشانه‌های تصویری تا متن، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- اکو، امبرتو؛ سطوح تجزیه علامت سینمایی، ترجمه سید علاء‌الدین طباطبائی، فصلنامه فارابی، سال سوم، شماره ۲.
- انصاری، مرتضی؛ المکاسب المحرمة، چاپ سنگی، مطبعة الآداب، تبریز، ۱۳۷۵ ش.
- بارت، رولان؛ عناصر نشانه شناسی، ترجمه مجید محمدی، مؤسسه انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- ترنر، گرام؛ زبان فیلم، ترجمه سید رحیم موسوی‌نیا، فصلنامه هنر، شماره ۳۰.
- تفتازانی، سعدالدین؛ مختصر المعانی، سید الشهداء، قم، ۱۴۰۹ ق.
- توحیدی، محمدعلی؛ مصباح الفقاهه، تقریرات درس آیت‌الله خویی (ره)، مطبعة حیدریه، نجف، ۱۳۷۴ ش.
- جمعی از فقیهان معاصر، رساله‌های توضیح المسائل آیات عظام: اراکی، تبریزی، خمینی، خویی، سیستانی، صافی، صانعی، گلپایگانی، لنگرانی و مکارم.
- خُر عاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه، آل البیت (ع)، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
- خمینی، سید روح‌الله؛ المکاسب المحرمة، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۶۸ ق.
- _____؛ مناهج الوصول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، قم، ۱۳۷۳ ق.
- _____؛ تحریر الوسیله، مکتبه الاعتماد، ۱۳۶۲ ش.
- خویی، ابوالقاسم؛ منیة السائل، دارالمحتی، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- _____؛ مناهج الصالحین، انتشارات مدینه العلم، قم، ۱۳۶۸ ق.
- سبحانی جعفر؛ المواهب، تقریرات درس امام خمینی، مؤسسه امام صادق (ع)، قم، ۱۴۱۰ ق.
- سیفی، حاجت‌الله، کاربرد صدا در سینما.
- صافی، حسن؛ الهدایة فی الاصول، مؤسسه صاحب الامر (عج)، قم، ۱۴۱۷ ق.
- طباطبائی، سید محمدکاظم؛ العروة الوثقی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- صدر، سید محمدباقر؛ دروس فی علم الاصول، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق.
- قمی، عباس؛ سفینه البحار، کتابخانه سنایی، ۱۳۶۳ ش.
- گستر، زابرت؛ تصویر متحرک، ترجمه اختر شریعت‌زاده، سروش، ۱۳۶۸.
- میرزای نوری، حسین بن محمدتقی؛ مستدرک الوسائل، آل البیت (ع)، ۱۴۰۷ ق.

- متر، کریستیان؛ زبان سینما، ترجمه روبرت صافاریان، کانون فرهنگی هنری ایثارگران، ۱۳۷۶ ق.
- موناکو، جیمز؛ چگونگی درک فیلم، ترجمه حمیدمهدی لاری، انتشارات بنیاد سینمایی فارابی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- وولن، پتر، نشانه‌ها و معنا در سینما، ترجمه عبدالله تربیت و بهمن طاهری، انتشارات سروش، ۱۳۷۶ ش.
- هاشمی، سید محمود؛ مباحث الدلیل اللفظی، تقریرات درس شهید صدر، دارالاسلامیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- هاشمی، سید محسن؛ از ذهنیت تا عینیت در سینما، انتشارات آهوان، ۱۳۷۸ ش.

